

معرفی کتاب

«الصراع بين الاسلام والوثنية»*

احمد امین یوسفی^۱ / نهله غروی نایینی^۲

چکیده

انتشار کتاب «کشف الارتیاب» سید محسن امین عاملی در رد عقاید وهابیان و بیان تاریخ ایشان، موجب شد وهابیان و طرفداران ایشان مقالات و کتاب های متعددی در پاسخ به آن منتشر کنند. یکی از این کتاب ها که علامه امینی در جلد سوم الغدیر به بخشی از اتهام های آن بر شیعیان پاسخ گفته اند، کتابی است با عنوان «الصراع بين الاسلام والوثنية» نوشته عبدالله قصیمی که در دو جلد اتهام بر شیعیان و عقاید ایشان و دفاع از وهابیان نجد و مذهب سلفی است. این نوشتار به معرفی این کتاب، تاریخچه انتشار آن، نویسنده آن و بیان نمونه هایی از مطالبش پرداخته است.

کلید واژه ها: الصراع، قصیمی، ردیه ها، وهابیت.

پرتال جامع علوم انسانی

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،

ahmad.yousefi@modares.ac.ir

۲. استاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،

naeeni.n@modares.ac.ir (نویسنده مسوول)

مقدمه

گرچه وهابیان در اساس اعتقادی جدید نیستند و باورهای ایشان به ابن تیمیه در قرن هشتم هجری برمی‌گردد، اما تسلط ایشان بر سرزمین حرمین شریفین موجب شد تا عده‌ای از دانشمندان مذاهب اسلامی احساس خطر کنند و برای مقابله با عقاید ایشان دست به قلم شوند. از جمله اینان در شیعه سید محسن امین، عبدالحسین شرف الدین، محمد حسین کاشف الغطاء، محمد جواد مغنیه؛ در مذهب مالکی، شیخ یوسف الدجوی و در مذهب شافعی (یا حنفی) داوود بن سلیمان نقشبندی بغدادی است.

۱. کشف الارتیاب و مقابله با آن

علامه سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ق) در میانه تالیف جلد نخست «اعیان الشیعه» در شرح حال بزرگان و علمای شیعه، از صدر اسلام تا عصر مؤلف، و شرح عقاید تشیع در اصول و فروع دین بود که با تسلط وهابیان نجد بر حرمین شریفین، کتاب «کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب» (۵۵۰ صفحه) را پیرامون تاریخ و چگونگی به وجود آمدن وهابیت و عقاید ایشان و اتهام‌هایی که بر شیعیان مطرح می‌ساختند در سال ۱۳۴۷ق منتشر کرد.

رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ق/۱۸۶۵-۱۹۳۵م)، عالم سنی، نویسنده و فعال سیاسی اواخر دوره عثمانی در مصر و سوریه، با تاسیس مجله المنار در نشر دیدگاه‌های ابن تیمیه، سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده تأثیر بسیاری داشت. او در همین مجله نقدهای متعددی بر کشف الارتیاب منتشر کرد که سید محسن امین در مجله عرفان در صیدا به آن پاسخ‌گفت. عنوان یکی از مقاله‌های ایشان «دعامة التفریق و إثارة الفتن والفساد بین المسلمین من هو موقد نارها» است (بحر العلوم، ۲: ۷۷۳). مجموعه نقدهای رشید رضا بر کشف الارتیاب و پاسخ‌های او به مقالات سید محسن امین و سید عبدالحسین شرف الدین (۱۲۹۰-۱۳۷۷ق) و محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۳ق/۱۲۵۶-۱۳۳۳ش) در کتابی با عنوان «رسائل السنة والشیعة» (قاهره: دارالمنار، چاپ دوم، ۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م) منتشر شده است.

شیخ یوسف الدجوی (۱۲۸۷-۱۳۶۵ق)، استاد الازهر و مشهورترین فقیه مالکی زمان خود، در مقاله‌های با عنوان «التوسل و جهالة الوهابیین»، «التوسل و الاستغاثة» و «توحید الألوهية وتوحید الربوبية» در مجله «نور الاسلام» الازهر به مقابله با وهابیان پرداخته بود. او در این مقاله‌ها از زیارت اولیاء و توسل به صلحاء درگذشته و شفاعت، دفاع کرده بود و این که چنین اعمالی شرک اکبر یا اصغر باشد را رد کرده بود. او از منتقدان ابن تیمیه بود و او را پاره پاره کننده اسلام خوانده است. با انتشار مقاله دجوی، قصیمی که دانشجوی الازهر بود، با انتشار کتابی به نام «البروق النجدية في اكتساح الظلمات الدجوية» (۱۹۳۱م، [۱۳۵۰ق]) به مقابله با او پرداخت. این نام‌گذاری، شائبه طعنه بر ناینایی کسی دارد که در کودکی به علت آبله نایناشده، اما این نقص او را باز نداشته و به عالم بزرگ یک مذهب تبدیل شده است. و میزان تخلق قصیمی به اخلاق اسلامی را نشان می‌دهد. الازهر قصیمی را به سبب انتشار این کتاب و بدگویی‌ها و اهانت‌هایی که در آن به استاد الازهر نموده بود اخراج کرد (فازلا، ۲۴). او پس از آن چندین کتاب در تهاجم به دانشمندان الازهر و دفاع از فکر و مذهب سلفی منتشر ساخت: «شیوخ الازهر و الزیارة فی الاسلام» (۱۹۳۱)، «الفصل الحاسم بین الوهابیین و مخالفیهم» (۱۹۳۴)، و «الثورة الوهابية» (۱۳۵۴ق/۱۹۳۶م). همچنین «نقد کتاب «حیة محمد» لهیکل» (۱۹۳۵). چرا که هیکل در کتابش به جز قرآن معجزه دیگری برای پیامبر اثبات نکرده بود. سال ۱۳۵۵ق [۱۹۳۶م] از قصیمی دو بار خواسته می‌شود که ردی نیز بر کتاب سید محسن امین بنویسد؛ «چرا که او در این کتاب مطالبی نوشته که کسی پیش از او در مخالفت با وهابیان ننوشته است» (الصراع، ۱: ۳۹). او در پاسخ، کتاب «الصراع بین الاسلام والوثنية» را در دو جلد نوشت (الصراع، ۱: ۳۹). جلد نخست در پاسخ به «کشف الارتیاب» و جلد دوم در اتهام به شیعیان و حمله به ایشان. این کار موجب تمجیدهای فراوان سلفی‌ها و وهابی‌ها شد. امام وقت مسجد الحرام، مدیر دارالحدیث مکه، قصیده‌ای در تمجید این کتاب او گفت (الصراع، ج ۲: صفحات ج - د و چاپ دوم ج ۱ ص ۷۱۸). در این قصیده، از جمله، شیعیان را به ادعای خیانت امین وحی متهم کرده‌اند. او را «قلب اردوگاه اصلاح در شرق» خواندند، اردوگاهی که ابن خلدون و سید افغانی و عبده و کواکبی بخش‌های دیگر آن اند (الصراع، ۲: ۸۹۷).

علامه امینی در جلد سوم «الغدیر فی الكتاب والسنة والأدب» در بخشی با عنوان «نقد و اصلاح حول الكتب والتالیف المنزورة» به ۱۶ کتاب که اتهام‌هایی به شیعیان وارد ساخته‌اند پاسخ داده است (۳: ۱۰۶). نهمین مورد، «السنة والشیعة» محمد رشید رضا (۳: ۳۲۵-۳۴۸) و دهمین مورد، «الصراع بین الاسلام والوثنیة» است. که در این جلد (۳: ۳۴۹-۳۷۴) به ۱۴ مورد و جاهای دیگری، به برخی اتهام‌های آن پاسخ داده‌اند.

انگیزه تالیف الصراع

او در ابتدا به انگیزه تالیف کتاب پرداخته است. عنوان مطلب دوم جلد نخست «لماذا ألفت هذا الكتاب» است. می‌نویسد: هدف «کشف الارتیاب» تغییر نفوس مسلمین و برانگیختن ایشان به مقاومت در برابر حکومت عربی [وهابی سعودی] و اخراج آن از حجاز است. هدفی جز تحریک مردم ندارد و نقد علمی اعتقادی نیست و موجب اندوه در اعماق سینه‌های مومن می‌شود و مولف آن [سید محسن امین] گمان می‌کند آن را جز برای دفاع از اسلام و غیرت بر حق ننوشته است. اما ایشان از اعراب به دلیل یاری دین و پیروزی بر دشمنان مهاجم بیزارند. او برای تایید این ادعای خود از «حاضر العالم الاسلامی» نقل می‌کند که مولفش با فرد شیعی درس خوانده و برجسته‌ای هم صحبت بوده و بیزاری شدیدی از عرب در او یافته و چون از او پرسیده که چگونه میان بیزاری از عرب و دوستی علی [ع] و فرزندانش جمع می‌کنید؟ و آیا علی [ع] و فرزندانش عرب نیستند؟ فرد شیعی ناصبی شده و به دشمن علی [ع] و فرزندانش بدل گشته است! (الصراع، ۱: ۱۴). این نمونه‌ای است که سطح این کتاب و میزان دانش مولف و نوع استدلال‌های او و منابع مورد مراجعه‌اش را نمایان می‌کند.

ویژگی‌های شکلی

چاپ نخست جلد نخست ۱۳۵۶ق، و جلد دوم ۱۳۵۷ق (هر دو ۱۹۳۷م) و چاپ دوم آن قاهره ۱۴۰۲ق، ۱۹۸۲م بوده است. ارجاع‌ها در این نوشتار به چاپ دوم است. تنها تفاوت صفحات این دو چاپ در ۱۸ صفحه‌ای است که در ابتدای جلد نخست با شماره‌گذاری

ابجدی اضافه شده است. شماره سایر صفحات کتاب بین دو چاپ اول و دوم یکسان است. قصیمی در این چاپ که سال‌ها پس از انتشار الغدیر و پاسخ‌های علامه امینی به او بوده، اشاره‌ای به این پاسخ‌ها نکرده است. چاپ نخست را مطبعة السلفية منتشر کرده است. اما در چاپ دوم، که پس از تغییر عقیده قصیمی است، نام و نشانی از ناشر کتاب نیامده است. جلد نخست ۷۱۸ صفحه است. در انتهای آن فهرست مطالب در ۲ صفحه (۷۱۴-۷۱۵) آمده است. این فهرست فقط شامل ۲۰ مورد عناوین کلی بحث‌های کتاب است. این بخش‌ها تناسب حجمی ندارند؛ یک عنوان فهرست ۲۶۵ صفحه و عنوان دیگر ۳ صفحه را شامل می‌شود. جلد دوم ۸۹۷ صفحه است. فهرست مطالب جلد دوم به طور تفصیلی در ۱۳ صفحه (۸۸۲-۸۹۴) آمده است. در انتهای جلد دوم وعده جلد سوم را داده (۲: ۸۸۱) اما نشانی از تحقق این وعده به دست نیامد و تنها دو جلد آن یافت می‌شود. هر دو جلد فاقد فهرس فنی است.

۲. معرفی نویسنده

عبدالله بن علی نجدی قصیمی، در روستای کوچکی به نام خب الحلوۃ غرب شهر بریده، مرکز منطقه قصیم، در نجد عربستان به دنیا آمد. تاریخ ولادت او مشخص نیست. اما حدس خودش حوالی ۱۹۰۷ میلادی است (فازلا، ۲۳). پدرش، علی صعیدی، به افراط‌گرایی شدید مذهبی معروف بود. طفولیت او در شرایط فقر شدید گذشته است. ۴ ساله بود که پدر و مادرش جدا شدند و پدرش آن‌ها را به قصد کسب علم دینی و تجارت به مقصد شارجه ترک کرد. مادرش نیز به زودی با کسی از روستای مجاور ازدواج کرد و عبدالله کوچک را نزد پدر خودش گذاشت در حالی که نمی‌توانستند او را تامین کنند. به همین سبب کودک در ۵ سالگی از ایشان نیز جدا شد و تا ۱۰ سالگی با کار در مزارع و بازار دام روزگار می‌گذراند. در این سن تصمیم گرفت آن‌جا را برای همیشه ترک کند. یادایی هایش او را وادار کردند برای کار و تامین معیشتش از آن‌جا خارج شود. یا برای تامین خوراک و پوشاک به دنبال پدرش برود. با اولین کاروانی که به ریاض می‌رفت زادگاهش را ترک کرد. در ریاض وارد وگه مهاجرانی بود که به سبب خشکسالی و قحطی سرزمین نجد به آن‌جا آمده بودند.

مکانی مملو از جمعیت و فاقد هرگونه امکانات بهداشتی. شنید گروهی از شارجه برای برقراری ارتباط با دولت جوان سعودی به ریاض آمده‌اند. خودش را به آنها رساند. دانست رییس گروه دوست پدرش است. با ایشان به شارجه رفت. پدرش آن‌جا در کار تجارت مروارید بود. او با عبدالله نوجوان با سردی و بی‌رحمی برخورد کرد و شیوه تربیتی بسیار سخت‌گیرانه‌ای بر او رواداشت. این آسیب بسیار در روح او تاثیر گذاشت. می‌نویسد: «پدرم را دین‌داری یافتم که بی‌اندازه متعصب بود که دین و دین‌داری او را به خشونت کشانده بود یا او دین و دین‌داری را به خشونت تبدیل کرده بود. او را مرد متدین واعظ و صادقی نیافتم. مگر به اندازه‌ای که در او خشونت و تندی یافت می‌شد». تا این زمان به مدرسه نرفته بود. تنها در روستایشان پیرمردی در بازار پایه‌های اولیه نوشتن را به او آموزش داده بود. و در ریاض از پیرمردهایی که در اردوگاه بودند چند سوره قرآن و حدیث پیامبر آموخته بود. در شارجه در مدرسه‌ای مشغول درس شد که استادانی از نجد و عراق داشت. برخی از آنها دانش آموخته‌ی الازهر بودند و در درس‌های عبده و رشید رضا حاضر شده بودند. او برای جبران گذشته‌اش تصمیم گرفت تمام تمرکز خود را بر درس بگذارد. در آن مدرسه تاجری به نام عبدالعزیز بن راشد تحت تاثیر روش درس خواندن او قرار گرفت و با قصیمی دوست شد. حدود ۵ سال بعد (۱۹۲۲م) پدرش از بیماری بی‌درمانی که سال‌ها دچارش بود مُرد و او از محدودیت‌هایی که به آن غل و زنجیر شده بود رهایی یافت. با عبدالعزیز همراه شد و با او به جنوب عراق منتقل شد و در آن‌جا به مدرسه رفت. سپس با او به هند رفت و ۲ سال در آن‌جا عربی و احادیث پیامبر و مبانی شریعت آموخت. باز به عراق برگشتند. هزینه این سفرها را از میراث اندکی که از پدرش برایش به‌جامانده بود تامین می‌کرد. در نوزده سالگی (۱۹۲۷م) برای ورود به الازهر همراه با ابن راشد و نجدی دیگری به نام عبدالله بن یابس از بغداد و از راه دمشق به قاهره رفتند. درس خواندن در الازهر آرزوی گران‌بهایی بود که برای قصیمی دست‌نیافتنی می‌نمود. الازهر در این هنگام مرکز مجادلات سیاسی بود. حوالی سال ۱۹۳۰ اختلاف شدیدی بین محافل الازهری که طرفدار وهابیت بودند و رییس دانشگاه که موضعی دوستانه نسبت به تصوف داشت درگرفت. یک طرف مجله المنار رشید رضا و طرف دیگر مجله نور الاسلام الازهر بود. و همان‌گونه که پیش‌تر آمد، طولی نکشید که

قصیمی از الازهر اخراج شد (فازلا، ۲۳-۴۲). در همین دوران بود که کتاب «الصراع بین الاسلام والوثنية» را در رد عقاید شیعیان منتشر ساخت.

قصیمی تسلط وهابیان بر نجد را نه انقلابی ضد استعماری مانند آن چه در فلسطین و سوریه و مصر و هند در جریان بود، بلکه انقلابی روحی برای آزادسازی عقل بشری و دین اسلامی از خرافات و جهل می‌شمرد و آن را مقدم بر انقلاب ضد تسلط بیگانگان می‌خواند (قصیمی، الثورة الوهابية، ج). او ادعای اصلاح داشت و غلبه در میان ملت‌ها را از آن ملتی می‌دانست که دانش و شناخت داشته باشد (قصیمی، الصراع، ۲: ۸۹۷). اما همین شخص با چنین ادعایی، بدون دیدن کتاب کافی (قصیمی، الصراع، ۱: الف)، که از قرن‌ها پیش یکی از متقدم‌ترین و مهم‌ترین جوامع روایی شیعه است، دو جلد کتاب در رد مذهب شیعه نوشته است. و با این حال مورد تمجید قرار گرفته و اصلاح‌گر خوانده شده است.

انتشار کتاب «هذي هي الاغلال» (۱۹۴۶، قاهره) که در پشت جلد آن شهادت می‌دهد که به خدا و پیامبرش و کتاب‌هایش و روز آخر ایمان دارد، موجب شد تا مخالفانش و کسانی که پیش‌تر از او تعریف کرده بودند او را ملحد خواندند. او این کتاب را با متنی خطاب به پادشاه وقت عربستان آغاز کرده است (قصیمی، هذي هي الاغلال، ۶). ملک عبدالعزیز در تلگرافی از شیخ فوزان خواست که برائتش از قصیمی را در روزنامه‌ها اعلان کند (المنجد، ۲۸). شیخ سعدی، علامه قصیم، کتاب «تنزیه الدین و حملته و رجاله مما افتراه القصیمی فی أغلاله» را در پاسخ به او نگاشت. از جمله کتاب‌های دیگری که در پاسخ به او نگاشته شده، «الرد القویم علی ملحد القصیم» از عبدالله بن یابس، دوست و هم‌سفرش، و «بیان الهدی من الضلال فی الرد علی صاحب الأغلال» (۱۹۴۹م، قاهره) است. شیخ سعدی آورده است: «کسی که در این کتاب نظر کند او را بزرگترین دشمن دین می‌یابد و کسی از بیگانگان تاکنون جرات نکرده بوده مطالبی که او درباره دین گفته، بگوید. و افتراهایی که او زده، بزند. و با چنین وقاحتی دین را و اصول و تعالیم و اخلاق و آدابش را مسخره کند. این کتاب صریح در خروج کلی او از اصول و فروع دین است. او بزرگترین دعوت‌کننده به الحاد و مبارزه با دین و اهل آن است. آن چه در این کتاب در قالب یاری دین گفته، نفاق و کید

و مکر در حق اسلام و اهل آن است» (سعدی، ۶). در صورتی که قصیمی همان قصیمی بود که رشید رضا او را با دانش گسترده‌اش ستوده بود (فاضل، ۴۵) و کتاب‌هایش را در چاپ‌خانه المنار چاپ کرده بود. آیا دانش او نقص یافته بود؟ یا لحن و قلمش تغییر کرده بود؟ هیچ کدام؛ همان قلم و همان نوع استدلال و همان سطح دانش و همان روشی که در حمله به سایر مذاهب و دفاع از مذهب وهابی به کار برده بود و آن چنان مورد تمجید قرار گرفته بود اینک درباره همه دین به کار رفته بود.

در عربستان فتوای قتل او صادر شد. دو بار اقدام در قاهره (۱۹۴۷) و بیروت برای کشتن او ناکام ماند. کتاب‌های بعدی او، «یکذبون کی یروا الإله جمیلاً» و «العرب ظاهرة صوتیة»، نیز در همین راستا هستند.

با پی‌گیری دولت یمن و به سبب ارتباط زیادی که با دانشجویان یمنی در مصر و تاثیر سوئی که بر ایشان داشت، مدتی در مصر به زندان افتاد. او در ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م در قاهره در اثر سرطان چشم مرد. دوستان و نزدیکان او در این که در آخر عمر عقیده‌اش تغییر کرد و از الحاد برگشت یا نه، اختلاف نظر دارند.

۳. محتوای کتاب

نویسنده در جلد نخست بیش‌تر به پاسخ به کشف الارتیاب و دفاع از وهابیت پرداخته و در جلد دوم به شیعه حمله کرده و به ایشان اتهام زده است. مطالب جلد نخست ناظر به کتاب «کشف الارتیاب» و تقریباً به همان ترتیب است. کشف الارتیاب شامل ۳ مقدمه، ۳ باب و خاتمه است. مقدمه‌ها در تاریخ وهابیت، در رد شبهاتی که وهابیت بر آن‌ها مبتنی است شامل ۱۹ مورد از جمله تقسیم احکام شرع به ضروری و نظری و بحث تکفیر و حکم به شرک در اجتهاد، بدعت، تکفیر مسلمانان، معنای عبادت، مساوی نبودن تعظیم مخلوقات با شرک، ... و در تشبیه وهابیون به خوارج است. باب‌ها در بیان معتقدات وهابیان و انتساب فقهی آنها به مذهب احمد بن حنبل و اعتقاد وهابیان و ابن تیمیه در مورد خدا و صفات خداوند. در بیان آن بخش از اعتقادات وهابیت که به سبب آن دیگر مسلمانان را نسبت کفر و شرک می‌دهند. و در تفصیل این عقاید در ۱۷ فصل‌اند.

مطالب جلد نخست الصراع نیز به همین ترتیب عبارتند از: الشعاع الهابط: درباره ظهور اسلام و تشیع، لماذا الفت هذا الكتاب: انگیزه تالیف، بیزاری شیعیان از عرب‌ها، حماقات الشيعة، پاسخ به تشبیه وهابیان به خوارج، احادیث ذم شرق و بلاد نجد، تاویل آیات نازل شده درباره کفار و آن‌که مانند ایشان عمل کند، تکفیر رازی متوسلان به مردگان راه، [وهابیان نجد] از خوارج نیستند، شباهت شیعه به یهود، اجتهاد، دلائل استواء بر عرش و اثبات صفات خدا، تشبیه، شبهات کسانی که بالا بودن خدا را نفی می‌کنند، مذاهب سلف در بالا رفتن خدا و اجتماعشان بر آن، قصه حبر یهودی و اشتباه رافضی، گمان رافضی بر آن‌که انتساب صفات به خدا با قدم آن مخالف است، استواء ملازم شناخت کنه آن نیست، (درباره‌ی) ابن تیمیه (ص ۶۳۹) (و بزرگ داشت او و پند گرفتن از زندگانی او) (ص ۷۱۱).

برخی از مطالب جلد دوم پاسخ به این گونه مطالب است: گفتار شیعیان درباره شیعه، کتاب فرق الشيعة جارودی، عبدالله ابن سبأ، کیسانیه، بیانیه، منصوریه. پیامبر ایجاد کننده عالم است، همه امور به علی [ع] برمی‌گردد، خانواده پیامبر امور عالم را در دست دارند، دنیا و آخرت کمترین عطایای حضرت زینب است، مجاورت یکی از قبور آل البيت نگه دارنده از هول قبرست، ضربه علی بر عمر بن عبدود برتر از بندگی خلائق است، انکار دختران پیامبر، ذریه پیامبر بر آتش حرامند و از هر بدی معصومند، بنی امیه از قریش نیستند، ملوک اهل سنت فرزندان زنایند، کسی که بر حسین [ع] بگرید یا بگریاند بر آتش حرام است، علی [ع] تقسیم کننده آتش و نجات دهنده خلق در روز قیامت است، زائر حسین [ع] نجات می‌یابد و زیارتش برتر از حج است...

مؤلف در ابتدای چاپ دوم (۱۸ صفحه) به ۱۱ مورد از کتاب کافی پرداخته است. و مشخص کرده که کافی را پس از چاپ نخست دیده است. این موارد عبارتند از: نزد شیعیان بر ائمه وحی می‌شود، ائمه همه چیز را می‌دانند، ائمه از پیامبران داناترند، سه چهارم قرآن از بین رفته است، مردم بندگان ائمه‌اند و زمین ملک امام است. ائمه مخازن علم خداوند و هر چه نزد ایشان نباشد گمراهی است. شیعیان اهل بهشتند هر چند بدی کنند و اهل سنت اهل آتشند هر چند نیکی کرده باشند. امام نزد شیعه. مسلمانان در دیدگاه شیعیان.

تفسیر شیعه از قرآن، کربلا برتر از مکه. این مطالب را پیش‌تر در چاپ نخست کتاب آورده بوده. اما در چاپ دوم مطالبی از کافی به عنوان شواهدی بر مطالب پیشین در ابتدای جلد دوم اضافه کرده است. بدون آن که ترتیب مطالب چاپ نخست را تغییر دهد. و البته بدون آن که اشاره‌ای به پاسخ‌های شیعیان در رد این اتهام‌ها بنماید.

چاپ دوم الصراع بعد از ۴۵ سال

با توجه به یادداشت کوتاهی که در چاپ دوم در صفحه نخست جلد اول کتاب الصراع و یادداشت بلندتری که در صفحه نخست جلد دوم آن خطاب به «[امام] خمینی و پیروان و هم عقیده‌های او» آمده است، به نظر می‌رسد تجدید چاپ این کتاب بعد از فاصله طولانی ۴۵ سال، برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران و موج توجه به مذهب تشیع بوده است.

چاپ دوم (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م) که بدون نام ناشر منتشر شده است، پس از تغییر عقیده قصیمی است. اما جایی که فهرست مولفات نویسنده آمده است (۱: ۷۱۶؛ ۲: ۸۹۵)، تنها عناوینی درج شده است که انتشار آن‌ها پیش از انتشار چاپ نخست «الصراع» بوده است و این فهرست در چاپ دوم دست نخورده باقی مانده است و با عناوین تالیفات بعدی او تکمیل نشده است و به دو جلد همین کتاب خاتمه یافته است. شماره صفحات کتاب نیز همان شماره صفحات در چاپ نخست است. با این ملاحظه که ۱۸ صفحه فوق با شماره‌گذاری ابجدی به ابتدای جلد دوم اضافه شده است. همین اضافه نشان می‌دهد که چاپ دوم نه فقط با اراده کسانی که نویسنده را ملحد خوانده بودند، بلکه با هماهنگی ایشان با نویسنده، و مشارکت او، اجازه انتشار یافته. به این شرط که قصیمی مولفات بعدی خود را نام نبرد. اما همچنان تمجید پیشین ایشان از او در حالی که او را اکنون ملحد می‌دانند، باقی بماند! همچنین در دسترس بودن این چاپ نشان می‌دهد که با وجود مشخص نبودن ناشر، اما توزیع گسترده‌ای داشته است. آن هم در حالی که انتشار کتاب‌های بعدی قصیمی در بسیاری از کشورهای عربی ممنوع بوده است و خود او هدف اتهام الحاد بوده است.

اتهام‌های مشابه به قلم رشید رضا

بسیاری از اتهام‌هایی که قصیمی با تحصیلات ناقص و مطالعات پراکنده‌اش بر شیعه وارد ساخته، و موضوع‌هایی که به آن پرداخته، پیش از او در مطالب رشید رضا، که جزء علماء مشهور اهل سنت با گرایش سلفی در زمان خودش بوده، آمده است. از جمله این که شیعه برساخته عبدالله بن سبأ یهودی است. شیعه قائل به تحریف قرآنند. زاری بر [امام] حسین علیه السلام و دشنام دادن صحابه، متعه، [امام] مهدی [عج] با امر جدید و قرآن جدید می‌آید، اعتراف شیخ طوسی به نفی عمل به احادیث صحیح و استناد به ضعیف‌ها چند برابر استناد ایشان به صحیح به علت خبر واحد بودن آن، ارتداد صحابه، وحی بر امامان، رجعت، ...

نمونه‌هایی از مطالب کتاب

چند نمونه از مطالب این کتاب می‌تواند روش نویسنده را نشان دهد و مشخص کند که این کتاب در چه سطحی است و چه نوع استدلال‌هایی دارد.

او در مقدمه‌ای که با عنوان «الشعاع الهابط» نوشته، وعده داده است که روایات و اقوال شیعیان را از مصادر ایشان که همگان می‌شناسند نقل خواهد کرد (الصراع، ۱: ۱۵). «هر بدعت و رای شاذی در اسلام را که پی‌گیری کنیم، مصدر آن را غیر عرب می‌بینیم... از یهود و فارس‌های مجوس... و بدعت‌گذاران عرب پیرو ایشان بوده‌اند» (الصراع، ۱: ۸). «پایه‌گذار اصول تشیع و رفض یهود بوده‌اند» (الصراع، ۱: ۹). «خوارج جز فرقه‌ای از شیعه نبوده‌اند که با علی و شیعه او مخالفت کرده‌اند» (الصراع، ۱: ۹). «گمراهی‌های معتزله برخی به ایشان [شیعه] و برخی به فارس‌ها برمی‌گردد. همچنان که همه آراء فاسدی که در دین اسلامی وارد شده از وحدت وجود و تناسخ و انکار صفات خدا و قول به عصمت ائمه و غلو در ایشان و عبادت قبرها و بریدن به سوی مردگان و آراستن مقابر و ساختمان‌سازی بر آن‌ها [زیارتگاه‌ها] و تشبیه و گفتارهای ناروا درباره خدا و صفاتش و پیامبرانش» (الصراع، ۱: ۹).

آن چه از کشتن کودکان و زنان و مردان غیرجنگی درباره وهابیان در کشف الارتیاب بیان شده را جملگی دروغ‌شمرده است و گفته است به این موضوع‌ها که درباره تاریخ وهابیان است نمی‌پردازد (۱: ۵۶).

به شیعه نسبت داده که همه کتب ایشان بر این اجماع دارند که کلمات و آیاتی از قرآن افتاده و ترتیب کلمات و آیات تغییر کرده و اخبار تحریف قرآن نزد شیعه متواتر است. این مطلب را به واسطه کتاب «الوشیعه»، از کتاب «اثبات تحریف کلام رب الارباب» (فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، میرزا حسین نوری، ۱۳۹۲ ق.) که در ایران چاپ شده نقل می‌کند. به این ترتیب سخن علامه عاملی را که بر سند یقینی بودن قرآن دلالت دارد، نیرنگ شمرده (۷۰:۱-۷۱) و پاسخی به سخن عاملی نداده است. بلکه بر اساس کتابی دیگر و ادعای آن که نظر اصلی شیعه درباره قرآن را، آن کتاب و نه کتاب عاملی، بیان می‌کند، و با نسبت دادن بی دلیل آن به همه شیعه، نشان داده است که پاسخی برای سخن عاملی ندارد. حال آن که دانشمندان شیعی ردیه‌های متعددی بر این کتاب منتشر کرده‌اند.

قصیمی از کتاب «الوشیعه» نقل کرده که در علماء شیعه و فرزندان ایشان در ایران و عراق کسی که قرآن را حفظ باشد و وجوه اداء آن را بشناسد یافت نمی‌شود. این یکی از دلایل اوست بر این که شیعه، قرآن متداول بین مسلمین را قبول ندارند (۷۱:۱).

از کتاب عاملی انتقاد کرده است که آیه قرآن در آن «فکان من ربه قاب قوسین او ادنی» چاپ شده است که «من ربه» در این آیه در مصاحف مسلمین یافت نمی‌شود پس در مصحف شیعه این آیه چنین آمده است (۸۸:۱).

در اثبات این که شیعیان هستند که سایر فرق مسلمین را کافر می‌دانند از «الوشیعه» نقل کرده که در تہذیب از امام صادق علیه السلام آمده که «مال ناصبی را بگیر چون او را یافتی، و خمسش را به ما بده» و این را نسبت دادن دروغ به اهل بیت شمرده است. (۱۱۶:۱)

صفات الهی: در مسأله رؤیت خداوند در روز قیامت می‌گوید «الی ربها ناظرة» صریح در رؤیت است و «لاتدرکه الابصار» صریح در نفی ادراک است و درک اخص از مطلق رویت است. و نفی درک، نفی رویت نمی‌کند. چنان که کسی بگوید خورشید را دیدم اما آن را درک نکردم (۷۳:۱). اما پاسخ نمی‌دهد که آیا رویت مستلزم جسمانیت نیست؟

«مخالف آن نیستیم که در قرآن حقیقت و مجاز آمده است. اما در آیات صفات خدا مجاز نیامده است... و صفات خدا بلا تعطیل و لاتحریف و لاتمثیل اند» (۹۰:۱).

درباره احادیث

سخن علامه عاملی در تعریف سنت را نقل کرده است که با این عبارات‌ها پایان می‌یابد: به خبری احتجاج می‌شود که شرایط مذکور را داشته باشد و گرنه، نه. و به سبب وجود اقسام [صحیح و ضعیف] در خبر، هر صاحب سخنی چه حق یا باطل می‌تواند به ظاهر روایتی استناد کند. همچنان که بابی‌ها به این خبر احتجاج کرده‌اند که «ان المهدي عليه السلام ياتي بامر جديد و قرآن جديد» و اتباع قادیانی در گمراهی‌شان به این خبر احتجاج کرده‌اند که «لامهدي الاعيسى» (الصراع، ۱: ۷۶). سپس قصیمی در نقد این بخش آورده است که روایت نخست مکذوب است و اصلی ندارد و از اخباری است که مورد توافق شیعیان در موضوع امام منتظر است و خبر دوم ضعیف است و اکثر احادیث رافضه ضعیف یا موضوع است (الصراع، ۱: ۸۴). با این که خودش سخن عاملی را نقل کرده، اما به همین صراحت آن را تحریف کرده و به همین ترتیب درباره اکثر احادیث شیعه نظرداده است.

از عاملی نقل می‌کند که «احادیث متعارض بسیاری از پیامبر نقل شده است و سبب آن دروغ بودن یکی از آن دو [حدیث متعارض] و دروغ‌گویی برخی مردم برای نزدیک شدن به صاحبان دنیا و طمع در آن، یا خطای در فهم، یا اطلاع بر منسوخ بدون ناسخ و عام بدون خاص و مطلق بدون مقید است» و بر آن خرده می‌گیرد که تعارض بین احادیث صحیح بسیار کم است و ما نمی‌گوییم بسیارند (۱: ۸۵). در صورتی که سخن عاملی مطلق روایات نقل شده از پیامبر بوده است، نه فقط احادیث صحیح. این نیز تحریف دیگری بر سخن عاملی است. به این ترتیب معلوم می‌شود که هدف نویسنده پاسخ‌گویی به عاملی یا نقد دانشمندان شیعه و عقاید ایشان نیست. او حتی نتوانسته در سخن عاملی اشکال دندان‌گیری بیابد. بلکه برای اشکال گرفتن بر او و عقاید شیعه ناچار بوده دست به تحریف‌هایی این چنین آشکار بزند. سپس ادامه می‌دهد که: «آری، تعارض در میان احادیث ضعیف و دروغ بسیار است، و میان کسانی که احادیثشان مانند شیعه سند ندارد. و دروغ‌گویان در رجال شیعه بسیارند، به طمع دنیا و برای نزدیکی به اصحاب دنیا یا مکر در دین و سنت. اما علماء اهل سنت آن‌ها را کشف کرده‌اند و احادیث موضوع و دروغ

را از صحیح جدا کرده‌اند... و در رجال حدیث اهل سنت کسی که متهم به وضع و دروغ برای طمع در دنیا و برای نزدیکی به اهلش باشد یافت نمی‌شود. آری کسانی پیدا می‌شوند که حفظ‌شان خوب نبوده یا فراموشی بسیار داشته‌اند یا مدلسین ایشان را فریب داده‌اند... و علماء شیعه که احادیثشان بدون سند است برای شناخت رجال حدیثشان ناچار از مراجعه به کتاب‌های تراجم و جرح و تعدیل اهل سنت اند» (۱: ۸۵-۸۶).

استواء بر عرش: قصیمی می‌گوید نسبت‌های سید محسن امین به ابن تیمیه برخی دروغ و برخی درست اند. بخش دروغ آن عبارت است از: بدگویی نسبت به خلفاء از صحابه، عثمان مال دوست بوده، علی [ع] برای ریاست جنگیده نه دین، اسلام علی [ع] در کودکی بوده و اسلام کودک صحیح نیست، علی [ع] را دشمن می‌داشته است، از اهل بیت بدگویی کرده است، خدا جسم است و در جهتی قرار دارد، ... اما بخش راست آن: خدا بر عرش مستوی است. بالای مخلوقات است. معترف است به سایر صفاتی که برای خدا در نصوص صحیح آمده است. خدا به حرف و صوت سخن می‌گوید. (۱: ۵۱۳)

تشبیه: شیعه به تشبیه و تمثیل خدا قائلند، چنان که مولفان ملل و نحل نگاه داشته‌اند و همچنان که پایه‌گذار مذهب شیعه عبدالله بن سبأ صنعانی یهودی بوده است و یهودی‌ها اهل تشبیه‌اند. اینان قائل اند که خدا گریه می‌کند و غمگین می‌شود و رنج می‌کشد و استراحت می‌کند و فقیر است و خودشان دارا، هم چنان که در قرآن آمده است. و این یهودی شیعه شده این عقاید را در شیعه وارد ساخته است. (۱: ۵۱۵).

۴. پاسخ علامه امینی در الغدیر به الصراع

امینی نام‌گذاری این کتاب را جنایتی بر همه مسلمانان می‌داند، که بخشی از ایشان را که شامل میلیون‌ها تن می‌شوند، دو گانه‌پرست خوانده است. کسانی که در میانشان پیشوایان، رهبران، دانشمندان، خردورزان، مفسران، حافظان و هدایت‌گران به دین پاک الهی قرار دارند و پیشاهنگ ایشان گروهی از صحابه و تابعین‌ند. و این را نشانه آشکاری از درون مولف و روحیات او می‌داند. و آیا این نام‌گذاری بین مسلمانان دعوت به محبت می‌کند؟ یا بذر پراکندگی می‌کارد؟ (۳: ۳۴۶)

ایشان به ۱۴ مورد مشخص از اتهام‌های او بر شیعه پاسخ داده‌اند: منظور از بیان در آیه ۱۳۸ آل عمران و کسف در آیه ۴۴ طور دو شیخ هستند. شیعیان ایرانی ضد عرب هستند. شیعه در ایران از شکست عثمانی از روسیه خوش حال شده‌اند. شیعه درباره علی ع همان را می‌گویند که نصارا درباره عیسی ع. قول به حلول و تشبیه و انکار برخی صفات خدای تعالی. معصوم دانستن خاندان پیامبر. حرام دانستن خاندان پیامبر بر آتش. صحابه در کتاب و سنت. تحریف سخن سید محسن امین و اتهام بر ایشان. پاسخ به تکذیب دو حدیث «ان علیا یذوذ الخلق یوم العطش» و «انه قسیم النار». امام منتظر همه مساجد را منهدم می‌کند. یکی از امامان ع به پرسشی دو پاسخ متناقض داده است. شیعیان به آیات قرآن استشهاد نمی‌کنند. عقیده به تناسخ و حلول. تکیه نکردن امامیه به اخبار صحیح از پیامبر. متعه. درباره عایشه همسر پیامبر و غایب شدن امام مهدی ع در سرداب.

نتیجه‌گیری

آن چه آمد نشان می‌دهد که در فضای موجود در این مباحث میان مذاهب اسلامی انتظار خوانده شدن کتاب‌هایی که با استدلال علمی در پی روشن‌گری هستند در جامعه مقابل، ساده‌انگاری و دور از واقعیت است. حتی برخی از افرادی که جزء دانشمندان نام برده می‌شوند و سایر تالیفات‌شان مورد توجه است، به ویژه آن‌ها که گرایش سلفی دارند، در این مباحث به واقعیت باورها و تاریخ شیعیان مراجعه نمی‌کنند و برای روشن شدن حقیقت ارزش چندانی قائل نیستند. آنگاه در چنین فضایی افرادی که در سطوح پایین‌تری از دانش و تخلق به اخلاق اسلامی و پایبندی به آداب مناظره علمی قرار دارند به روش‌ها و مطالبی بسیار دورتر دست می‌یازند. با این وجود بسیار تشویق می‌شوند و آثارشان در شمارگان فزون‌تری منتشر می‌شود.

وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی عنوان مبهمی است که به ویژه در دوره پس از فروپاشی عثمانی، افرادی با عقاید متضاد و ناهمگون را شامل می‌شود. و در هر مورد نیاز به توضیح و رفع ابهام دارد که معنای مورد نظر از این عنوان چیست؟ و شامل

کدام مذاهب اسلامی می‌شود؟ برخی از این افراد گرچه در سلک دانشمندان محسوب می‌شوند، اما حاضر نیستند عقاید مذاهب اسلامی را از زبان خودشان بشنوند یا به کتب معتبر ایشان مراجعه‌کنند و در مناظره با ایشان به آداب مناظره علمی پایبند باشند و به این ترتیب ادعای ایشان در دعوت به وحدت اسلامی بدل به امری مبهم یا شعاری فریبنده و توخالی می‌شود.

فهرست منابع

- امین عاملی، سید محسن، ۱۳۴۷ق، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، بی‌جا، بی‌نا.
 امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۴ق، الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
 بحر العلوم، محمد صادق، ۱۴۳۸ق، وفيات الاعلام، کربلاء، عتبه عباسیه.
 رشید رضا، محمد، ۱۳۶۶ق، رسائل السنة و الشیعة، قاهره، دار المنار، چاپ دوم.
 عبدالرحمن بن ناصر، ۱۳۶۶ق، تنزیه الدین و حملته و رجاله مما افتراه القصیمی فی أغلاله، قاهره، دار إحياء الكتب العربية.
 فازلا، یورغن، ۲۰۰۱م، القصیمی بین الاصولیة و الانشقاق، من اصولی الی ملحد، مترجم: محمود کبیبو، بیروت، دارالکنوز الادبیة.
 المنجد، صلاح الدین، ۱۹۶۷م، دراسة عن القصیمی، بی‌جا، دارالکتاب الجدید.
 قصیمی، عبدالله علی، ۱۳۵۴ق/۱۹۳۶م، الثورة الوهابیة، بی‌جا، المطبعة الرحمانیة بمصر.
 قصیمی، عبدالله علی، ۱۳۵۶ق، الصراع بین الاسلام و الوثنیة، قاهره، المطبعة السلفیة.
 قصیمی، عبدالله علی، ۱۹۴۶م، هذی هی الاغلال، قاهره (چاپ دوم، کولونیا-آلمانیا، الجمل، ۲۰۰۰م).